



# درآمدی بر دانش مفردات قرآن

دکتر سید محمود طیب حسینی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۳

طیب‌حسینی، سیدمحمود، ۱۳۴۶-  
درآمدی بر دانش مفردات قرآن / سیدمحمود طیب‌حسینی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ مرکز مدیریت  
حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۹۰.  
دوازده، ۳۲۷ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۸۸: علوم قرآنی؛ ۱۹)  
ISBN: 978-600-5486-16-2  
بها: ۵۱۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه: ص. [۳۱۵] - ۳۲۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
واژه‌نامه.  
نمایه.  
۱. قرآن - واژه‌شناسی. ۲. قرآن - مسائل لغوی. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. مرکز مدیریت  
حوزه‌های علمیه خاوران. ج. عنوان.  
۱۳۹۰ ۴ د ۹ ط / ۲ / ۸۲ BP  
شماره کتابشناسی ملی  
۲۴۶۴۶۷۱  
۲۹۷ / ۱۵۳



## درآمدی بر دانش مفردات قرآن

نویسنده: دکتر سیدمحمود طیب‌حسینی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۸۸؛ علوم قرآنی: ۱۹)

ناشر همکار: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ سوم: زمستان ۱۳۹۳ (چاپ دوم: زمستان ۱۳۹۲)

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۱۹۰۰ تومان

### کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر:

۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵-۳۷۱۸۵ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۶۰۰۶۶۴ و ۰۲۶۰۰۶۶۹۷۸۹۲۰

www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

قم: انتهای بلوار امین، فلکه ارتش، ابتدای بلوار الغدیر، کوچه شماره ۱، کد پستی: ۳۷۱۳۹۵۵۶۹۵، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

خاوران، تلفن: ۲۹۴۱۰۲۰ و ۲۱۴۴۴۷۴، نمابر: ۲۱۴۴۲۵۹

www.whc.ir

## سخن ناشران

حوزه‌های علمی شیعه، نگهبانان تراث جاوید معارف و علوم و پاسداران حریم شریعت و عقاید اسلامی‌اند. این رسالت خطیر، مسئولیت عالمان دین‌باور را در عرصه تعلیم و تربیت، دوچندان نموده است. دغدغه‌های همیشگی عالمان متعهد، نسبت به اصلاح و غنابخشی کمی و کیفی شیوه‌ها، متون و الگوهای آموزشی، در راستای بالندگی و پویایی و کارآمدی نظام آموزشی حوزه، ضرورت بازنگری و اصلاح و تدوین و ارائه متون نو و کارآمد را، مورد تأکید قرار می‌دهد.

البته از یک‌سو، منزلت و جایگاه متون درسی در حوزه‌ها و بهره‌مندی از تراث گران‌سنگ و ذخایر ارزشمند متون قویم از صلحای سلف و وزانت و اعتبار مؤلفان آنها، ایجاب می‌کند که در بازسازی و اصلاح و تدوین متون درسی، اهتمام و دقت و تأمل خاص و شایسته مبذول گردد و از سوی دیگر، دگرگونی و تحول در گرایش‌ها، نیازها، انتظارات، شیوه‌ها و الگوهای تعلیم و تربیت، مسئولیت متولیان امر پرورش و آموزش و برنامه‌ریزی درسی را، در حوزه افزون می‌سازد تا به صورت مستمر با آرایه‌بندی‌ها، الگوها و قالب‌های نو و با ارتقای محتوایی، به پیرایش و تدوین متون درسی، همت گمارند.

از این‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران براساس ضرورت‌ها و نیازهای یادشده، نسبت به تولید متون درسی، اقدام نموده و ده‌ها جلد کتاب درسی را طراحی، تدوین و منتشر ساخته و دومین اثر مشترک خود را به جامعه علمی و آموزشی کشور تقدیم می‌دارند و در این فرآیند سعی داشته‌اند ضمن حفظ اصالت و غنای محتوایی گنجینه‌های ارزشمند برجای‌مانده از عالمان گذشته، با کاربست فناوری آموزشی و رعایت اصول، معیارها و الگوهای جدید، متونی هماهنگ با اهداف و در چارچوب برنامه‌ها و سرفصل‌های مصوب و متناسب با سطح درک و انتظارات فراگیران ارائه کنند.

کتاب حاضر به عنوان متن درسی برای طلاب سطح دو حوزه علمی خواهران و دانشجویان رشته علوم قرآنی و حدیث در مقطع کارشناسی ارشد تهیه شده است. امید است دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند انتظار داریم با ارائه پیشنهادها، نقدها و دیدگاه‌های اصلاحی خود ما را در جهت اصلاح این کتاب و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از مؤلف محترم کتاب، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود طیب حسینی و ناظرین این اثر تشکر نماییم.

مرکز مدیریت حوزه‌های علمی خواهران

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
تفاوت اثر حاضر با آثار گذشته	۴
<b>بخش اول: مباحث نظری</b>	
<b>فصل اول: کلیات و تعریف‌ها</b>	۹
۱. معنی	۹
۱-۱. معنای حقیقی و مجازی	۹
۲-۱. معنای موضوعی و مستعمل‌فیه	۱۱
اقسام وضع و واضح	۱۲
۳-۱. معنای مفهومی و معنای مصداقی	۱۵
۴-۱. معنای اولی و معنای ثانوی	۱۶
۲. مفردات	۱۷
تعریف دانش مفردات	۱۸
۳. غریب‌القرآن	۲۰
تعریف «کلمه غریب»	۲۰
تفاوت مفردات و غریب‌القرآن	۲۲
۴. منشأ غرابت الفاظ قرآن	۲۳
۵. اهمیت و جایگاه دانش مفردات قرآن	۲۵
۶. پیشینه دانش مفردات و غریب‌القرآن	۲۸
مهم‌ترین تألیفات در موضوع غریب‌القرآن	۳۰
۷. فقه‌اللغه	۳۳
تعریف «فقه‌اللغه»	۳۳
۸. زبان‌شناسی	۳۴

۳۶	تفاوت «فقه‌اللغه» و «زبان‌شناسی»
۳۷	مهم‌ترین آثار تألیف‌شده در موضوع فقه‌اللغه
۴۰	خلاصه بحث
۴۱	پرسش و آزمون
۴۳	<b>فصل دوم: منابع معنی‌شناسی واژه‌های قرآن</b>
۴۳	منابع اصلی
۴۴	۱. فرهنگ و ادب عربی
۴۶	حجیت سخن لغوی
۴۷	کارکرد فرهنگ عربی در معنی‌شناسی کلمات قرآن
۵۵	آسیب مراجعه به فرهنگ عربی
۵۶	۲. شعر
۵۹	کارکردهای شعر در معنی‌شناسی
۵۹	الف) بیان معنای واژه
۶۰	ب) تعیین یکی از دو معنای واژه
۶۱	۳. قرآن کریم
۶۲	کارکردهای قرآن در معنی‌شناسی
۶۲	الف) تعیین معنای واژه
۶۲	ب) انصراف از یک معنا به معنای دیگر واژه
۶۳	ج) تعیین دقیق حدود معنا
۶۴	د) ایجاد معنای جدید
۶۵	ه) بیان معانی متعدد برای واژه
۶۷	۴. حدیث
۶۸	الف) مقصود نبودن معنای ظاهری لفظ
۶۹	ب) تعیین معنای مقصود از واژه در قرآن
۷۰	ج) تعیین یکی از دو معنای لفظ
۷۲	د) توسعه در معنای واژه
۷۴	ه) بیان لوازم معنا
۷۵	منابع فرعی
۷۶	نگاهی به تطوّر لغت‌نامه‌های عربی
۷۷	۱. لغت‌نامه‌های تک‌موضوعی
۷۸	۲. لغت‌نامه‌های بزرگ موضوعی
۷۹	۳. لغت‌نامه‌های مرتب‌شده براساس مخارج حروف و حروف الفبا
۷۹	۳-۱. کتاب العین

۸۰	۲-۳. الجیم
۸۱	۳-۳. الجمهرة فی اللغة
۸۱	۴-۳. تهذیب اللغة
۸۲	۵-۳. الصحاح
۸۳	۶-۳. معجم مقاییس اللغة
۸۵	۷-۳. المحکم والمحیط الاعظم
۸۵	۸-۳. اساس البلاغه
۸۶	۹-۳. لسان العرب
۸۷	۱۰-۳. المصباح المنیر
۸۷	۱۱-۳. القاموس المحیط
۸۸	۱۲-۳. تاج العروس
۸۸	کاستی‌های فرهنگ‌های لغت
۸۹	۱. بررسی نشدن تطوّر معنای کلمات
۸۹	۲. استدلال نکردن بر یک معنا از طریق ذکر شاهد
۸۹	۳. مقایسه نکردن میان زبان عربی و دیگر زبان‌های سامی
۸۹	۴. تکرار مطالب و حجم زیاد
۹۰	۵. نداشتن نظم و ترتیب در ذکر مشتقات یک ماده
۹۱	خلاصه بحث
۹۲	پرسش و آزمون
۹۳	بحث و پژوهش
۹۳	منابع برای بحث و پژوهش
۹۳	منابع تفسیر روایی شیعی
۹۴	<b>فصل سوم: اشتقاق</b>
۹۵	شرایط مشتق
۹۶	انواع اشتقاق
۹۶	۱. اشتقاق صغیر
۹۷	الف) اصل مشتقات
۹۸	ب) تقدم معانی حسی بر معانی غیر حسی
۹۹	ج) قیاسی بودن یا سماعی بودن اشتقاق صغیر
۱۰۰	د) ارجاع کلمات به یک یا چند اصل
۱۰۱	۲. اشتقاق کبیر
۱۰۴	۳. اشتقاق اکبر
۱۰۵	۴. اشتقاق کبار (نحت یا واژآمیزی)

۱۰۹	خلاصه بحث
۱۰۹	پرسش و آزمون
۱۱۰	بحث و پژوهش
۱۱۰	منابع برای بحث و پژوهش
۱۱۲	<b>فصل چهارم: ترادف در واژه‌های قرآن</b>
۱۱۳	تعریف ترادف
۱۱۶	اهمیت بحث ترادف
۱۱۸	موافقان ترادف
۱۱۸	اسباب و عوامل ترادف
۱۱۹	۱. تداخل گویش‌ها و لهجه‌ها
۱۲۰	۲. تلقی واحد از اسم و صفت
۱۲۰	۳. وام‌گیری از زبان‌های دیگر
۱۲۱	۴. تطوّر زبانی
۱۲۲	مخالفان ترادف
۱۲۳	ادله منکران ترادف
۱۲۳	۱. وضع هر کلمه برای یک معنای خاص
۱۲۴	۲. ارائه تعریف خاص از ترادف
۱۲۴	۳. تفکیک میان ترادف تام و ناقص
۱۲۵	۴. تفکیک میان اسم و صفت
۱۲۶	نقد و بررسی
۱۲۶	فواید ترادف
۱۲۸	بیان چند نکته
۱۲۸	۱. اصل عدم ترادف در قرآن کریم
۱۲۹	۲. قرآن کریم منبعی معتبر برای شناخت معانی
۱۳۰	۳. قرآن کریم معیار درک تفاوت معنا
۱۳۳	خلاصه بحث
۱۳۴	پرسش و آزمون
۱۳۴	بحث و پژوهش
۱۳۴	منابع برای بحث و پژوهش
۱۳۵	<b>فصل پنجم: اشتراک لفظی</b>
۱۳۵	تعریف مشترک لفظی
۱۳۶	۱. برداشت یکم



۱۴۰	تعریف مختار از مشترک لفظی
۱۴۲	۲. برداشت دوم
۱۴۴	موافقان و مخالفان اشتراک لفظی در قرآن
۱۴۶	دلایل موافقان و منکران
۱۴۷	اسباب پیدایش الفاظ مشترک
۱۴۷	۱. وضع لغوی
۱۴۸	۲. استعمال مجازی
۱۴۹	۳. تعدد گویش‌ها
۱۴۹	۴. تعدد زبان
۱۵۰	۴. تطوّر صوتی و دلّالی
۱۵۱	اهمیت و نقش اشتراک لفظی در تفسیر قرآن
۱۵۳	اشتراک معنوی
۱۵۳	تعریف مشترک معنوی
۱۵۴	تفاوت مشترک معنوی با مشترک لفظی
۱۵۵	اقسام مشترک معنوی
۱۵۷	خلاصه بحث
۱۵۸	پرسش و آزمون
۱۵۸	بحث و پژوهش
۱۵۸	منابع برای بحث و پژوهش
۱۶۰	<b>فصل ششم: وجوه و نظایر</b>
۱۶۰	تعریف وجوه و نظایر
۱۶۲	تعریف منتخب از وجوه و نظایر
۱۶۳	تفاوت اشتراک لفظی و وجوه (و نظایر) قرآن
۱۶۴	مهم‌ترین آثار در حوزه وجوه و نظایر
۱۶۵	بررسی سه نمونه از وجوه و نظایر
۱۶۶	۱. رحمة
۱۶۷	۲. هدی
۱۶۹	۳. فتنة
۱۷۳	خلاصه بحث
۱۷۴	پرسش و آزمون
۱۷۴	بحث و پژوهش
۱۷۴	منابع برای بحث و پژوهش

۱۷۵	فصل هفتم: اضداد/تضاد
۱۷۸	منکران اضداد
۱۷۹	دلایل منکران
۱۸۰	اسباب و عوامل پیدایش اضداد
۱۸۴	نقش قرآن در گردآوری واژه‌های اضداد
۱۸۵	کلمات اضداد در قرآن
۱۸۶	نقش اضداد در تفسیر
۱۸۹	خلاصه بحث
۱۸۹	پرسش و آزمون
۱۹۰	بحث و پژوهش
۱۹۰	منابع برای بحث و پژوهش
۱۹۱	فصل هشتم: چندمعنایی
۱۹۲	۱. ذو وجوه بودن قرآن
۱۹۳	۲. ظاهر و باطن داشتن قرآن
۱۹۴	۳. دلیل ادبی
۱۹۶	چندمعنایی در قرآن کریم
۱۹۶	واژه طهور
۲۰۱	خلاصه بحث
۲۰۱	پرسش و آزمون
۲۰۱	بحث و پژوهش
۲۰۲	منابع برای بحث و پژوهش
۲۰۳	فصل نهم: گویش‌های عربی و زبان‌های غیر عربی
۲۰۳	الف) گویش‌های عربی
۲۰۵	نقش آشنایی با لهجه‌های عربی در تفسیر قرآن
۲۰۷	آثار تألیف‌شده در کلمات متعلق به قبایل غیر قریشی
۲۰۸	ب) واژه‌های معرب و دخیل
۲۱۰	آثار تألیف‌شده درباره کلمات معرب
۲۱۱	اهمیت آشنایی با معربات در تفسیر قرآن
۲۱۳	قواعد شناخت واژه‌های معرب
۲۱۴	مقایسه میان زبان عربی و دیگر زبان‌های سامی
۲۱۴	زبان سامی و نسبت آن با زبان عربی
۲۱۶	۱. انفال
۲۱۷	۲. نحل

۲۲۰	خلاصه بحث
۲۲۱	پرسش و آزمون
۲۲۱	بحث و پژوهش
۲۲۱	منابع برای بحث و پژوهش

### بخش دوم: معناشناسی واژه‌ها

۲۲۳	مقدمه
۲۲۳	شرایط تفسیر لغات قرآن

۲۲۹	<b>فصل اول: «خشیت» و «خوف»</b>
۲۳۳	سخن دانشمندان در تفاوت «خشیت» با «خوف»
۲۳۵	تفاوت خوف و خشیت با توجه به کاربردهای قرآنی
۲۳۵	معنای خوف در لغت
۲۴۰	خلاصه بحث
۲۴۰	پرسش و آزمون
۲۴۱	بحث و پژوهش
۲۴۱	منابع برای بحث و پژوهش

۲۴۲	<b>فصل دوم: «ذنب» و تفاوت آن با «اثم»</b>
۲۴۲	معنای لغوی ذنب
۲۴۵	معنای «ذنب» در قرآن
۲۴۵	۱. «ذنب» به معنای لغوی
۲۴۷	۲. خطا
۲۴۷	۳. جرم
۲۴۸	۴. گناه
۲۴۹	تفاوت «ذنب» با «اثم»
۲۴۹	معنای «اثم» در لغت
۲۵۲	کاربرد «اثم» در قرآن
۲۵۸	مصادیق «اثم» در قرآن کریم
۲۶۲	خلاصه بحث
۲۶۲	پرسش و آزمون

۲۶۴	<b>فصل سوم: ظن</b>
۲۶۴	معنای لغوی «ظن»
۲۶۷	کاربردهای «ظن» در فرهنگ عربی

۲۶۹	.....	وجوه معنایی ظنّ در قرآن
۲۷۰	.....	بررسی وجوه معنایی «ظنّ» در قرآن
۲۷۶	.....	معنای «ظنّ» در سیاق نفی
۲۷۸	.....	حسبان و شک
۲۸۰	.....	نقد دیدگاه برخی مفسران در تفسیر «ظنّ» در برخی آیات
۲۸۲	.....	معیار بازشناسی «ظنّ» به معنای یقین از «ظنّ» به معنای شک
۲۸۵	.....	خلاصه بحث
۲۸۵	.....	پرسش و آزمون
۲۸۷	.....	<b>فصل چهارم: سقی</b>
۲۹۲	.....	دیدگاه‌ها در عدم ترادف «سقی» و «اسقی» و نقد آنها
۲۹۵	.....	تفاوت دو واژه «سقی» و «اسقی» با معیار قرآن کریم
۳۰۰	.....	خلاصه بحث
۳۰۰	.....	پرسش و آزمون
۳۰۲	.....	<b>فصل پنجم: نام‌های قیامت در قرآن</b>
۳۰۲	.....	یوم القيامة
۳۰۴	.....	معنای قام در قرآن
۳۰۷	.....	معنای «قیامت»
۳۰۸	.....	بررسی کاربرد «یوم القيامة» در قرآن
۳۱۰	.....	دیگر نام‌های قیامت
۳۲۵	.....	خلاصه بحث
۳۲۶	.....	پرسش و آزمون
۳۲۷	.....	بحث و پژوهش
۳۲۷	.....	منابع برای بحث و پژوهش
۳۲۸	.....	<b>منابع و مأخذ</b>
۳۴۰	.....	<b>نمایه روایات</b>

## مقدمه

یکی از دانش‌های بنیادین مورد نیاز در تفسیر قرآن کریم، دانش مفردات قرآن است. دور از صواب نیست اگر بگوییم که پس از آشنایی با قرآن و قرائت آن، نخستین دانش مورد نیاز برای فهم قرآن و تدبر در آن، دانش معنی‌شناسی و مفردات است، به همین جهت راغب اصفهانی به عنوان بزرگ‌ترین و موفق‌ترین پدیدآورنده اثری در تفسیر واژه‌های قرآن، این دانش را به منزله فراهم ساختن خشت و آجر برای ساختن یک بنا برشمرده است. نظر به اهمیت دانش مفردات در فهم و تفسیر قرآن، همواره این دانش مورد اهتمام و توجه جدی مفسران قرآن بوده و هر مفسر به فراخور فرصت و امکانات خود از آن بهره گرفته است. دور نیست که اگر مفسری در حوزه تفسیر سخنی تازه و یا برداشتی نو و متفاوت از آیه‌ای ارائه داده است، سهم عمده نوآوری او در تفسیر حاصل تبخّر و اندیشه عمیق وی در معنی‌شناسی کلمات قرآن بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) از همان آغاز که گرایشی در تفسیر و علوم قرآنی در میان رشته‌های درسی به وجود آمد، به درستی یکی از واحدهای درسی این رشته، درس مفردات قرآن بود که سهمی چهارواحدی به خود اختصاص داد و به دنبال آن آثاری نیز نگارش یافت تا آموزش این ماده درسی را برای دانشجویان این رشته هموار سازد. اما با وجود آثار ارزشمندی که در این موضوع تدوین شد، آثار تألیف‌شده هرگز درخور این درس نبود و آن‌گونه که شایسته و بایسته بود نیاز دانشجویان را برآورده نمی‌ساخت. آثار تألیف‌شده نه از نظر کمی قابل توجه‌اند و نه از نظر کیفی همه مباحث مورد نیاز در معنی‌شناسی کلمات قرآن را پوشش می‌دهند؛ از این رو این ماده درسی به‌رغم اهمیت آن در تفسیر، دچار فقر شدید منبع آموزشی است و بالتبع دانشجویان نیز در چهار محور در دانش مفردات قرآن مشکل دارند: یکی در فهم متون کهنی که به تفسیر کلمات قرآن پرداخته‌اند، دو دیگر در روش تفسیر کلمات قرآن

و سوم، در مباحث نظری مورد نیاز در شرح کلمات قرآن و چهارم آگاهی اندک نسبت به منابع مشتمل بر تفسیر کلمات قرآن. به یاد دارم از مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی و حدیث، در همان ترم نخست، در درس مفردات قرآن با چهار کتاب مفرداتی آشنا بودم: مفردات راغب اصفهانی، نثر طویی از مرحوم علامه شعرانی، قاموس قرآن قرشی و فقه اللغه ثعالبی، که مورد آخری را فقط اسمی از آن شنیده بودم، به علاوه آشنایی کمی با مباحث اللغه در تفسیر ارجمند مجمع البیان که نه قدرش را می‌شناختم و نه به استفاده از آن موفق بودم، و هنگام فارغ‌التحصیل شدن از این دوره، تنها یک کتاب معجم مقایس اللغه بر آگاهی‌های منبع شناختیم افزوده شده بود. البته امروز سطح آگاهی‌های دانشجویان نسبت به آن زمان رشد چشمگیری یافته است و اگرچه کتاب روشمند و جامع کم تألیف شده، اما جای خوشبختی است که مقالات و پایان‌نامه‌های فراوانی در معنی‌شناسی کلمات قرآن به صورت روشمند و با بهره‌گیری از جدیدترین روش‌های معنی‌شناسی تدوین شده است. با این همه هنوز جای تألیفات متعدد و متنوع با روش‌ها و سلیقه‌های مختلف برای این ماده درسی خالی به نظر می‌رسد.

پس با وجود بضاعت مزجات، اما با علاقه وافر، عزم خود را جزم کردم تا اثری فراهم آورم که همه کمبودهایی را که در دوران دانشجویی‌ام در این درس مهم احساس می‌کردم جبران کرده و همه مباحث مرتبط با دانش مفردات را که در فهم و تفسیر قرآن مؤثر است و ضروری تشخیص می‌دادم، در یک اثر کم‌حجم گرد آورم. حاصل تلاش دوساله بر روی این موضوع و نیز تدریس چندین باره مطالب آن، اثری است که اکنون پیش روی شماست. این اثر در دو بخش تنظیم شده است: بخش نخست به مباحث نظری اختصاص یافته و در نُه فصل، پس از تعریف‌ها و بیان تاریخچه مفردات، و بحثی مبسوط درباره معرفی منابع معنی‌شناسی، نقش ترادف، اشتراک لفظی، اضداد، وجوه و نظایر، اشتراک معنوی، معربات و لهجه‌های مختلف قبایل عربی را در تفسیر بررسی کرده است. در این بخش کوشیده‌ام بحث را از حالت کسل‌کننده نظری محض و خشک دور سازم و با ذکر مثال‌های متنوع به‌ویژه مثال‌های قرآنی به مباحث کتاب جنبه کاربردی ببخشم و مطالعه آن را برای خواننده روان و نشاط‌آور کنم. بخش دوم کتاب نیز به طرح بحث کاربردی و معنی‌شناسی شماری از کلمات قرآن اختصاص یافته است. در ابتدا قرار بود حدود سی واژه انتخاب و معنای لغوی و قرآنی آنها در این بخش بررسی شود، اما با پیشنهاد مدیر محترم گروه، جناب حجت‌الاسلام دکتر سعیدی روشن، و تأیید اعضای گروه قرآن‌پژوهی قرار شد تعداد اندکی واژه انتخاب شده و هر واژه به‌طور مستوفی و

عمیق‌تر به بحث گذارده شود. در نتیجه، مباحث بخش دوم به معنی‌شناسی پنج واژه اساسی ذیل محدود شد: نخست خشیت، دوم ذنب و اثم، سوم ظن، چهارم سقی و تفاوت آن با اسقی، و پنجم قیامت و دیگر نام‌های آن. آرزویم آن بود که همه مباحث نظری مطرح در بخش نخست را در بررسی این واژه‌ها اجرا کنم، اما کار بسیار سخت بود و دانش و توان من اندک. با همین بضاعت اندک تلاش شده بحثی موضوعی درباره هر واژه شکل بگیرد تا در ضمن آموزش معنی‌شناسی دانشجویان با الفبای تفسیر موضوعی نیز آشنا شوند. در معنی‌شناسی واژه‌ها تکیه اصلی بر فرهنگ عربی و نیز خود قرآن کریم به عنوان یک منبع اصیل معنی‌شناسی بوده و از نقل آرای لغویان نیز غفلت نشده است. هدف این بوده که یک دانشجوی ارشد و یک محقق متوسط بتواند با تأمل و دقت در کاربردهای لغوی یک واژه و با تکیه بر سیاق آیات مشتمل بر آن واژه به اجتهاد در معنای لغت بپردازد. واژه‌های انتخابی نیز برای مقصود ما — با توجه به محدودیت کتاب — از تنوع نسبتاً خوبی برخوردار است. مسیر روشن است و اهتمام من هموار کردن این مسیر برای دانشجویان و محققان بوده است. امید دارم فرصتی دیگر دست دهد تا آنچه در بخش دوم این کتاب ناقص و ناتمام مانده را در اثر مستقل دیگری دنبال کنم. به روشی که در بخش دوم کتاب دنبال کرده‌ام سخت باور دارم و گمانم آن است در این روش نوآوری‌های بسیاری را در تفسیر می‌توان ارائه داد و اوج زیبایی‌های لفظی و معنایی آیه‌آیه‌های قرآن کریم را با همه وجود مشاهده و اسرار و اعجاز معارف آن را درک کرد. گرچه در ظاهر تنها پنج واژه در بخش دوم بررسی شده است، ولی در واقع دانشجویان با مطالعه دقیق این بخش با معنای لغوی و قرآنی ده‌ها واژه دیگر قرآن نیز آشنا خواهد شد.

هرچند اثر با هدف آموزشی به نگارش درآمده اما از طرح اجتهادی مباحث در آن غفلت نشده است. در هر دو بخش به نقل آرای مشهور بسنده نکرده‌ام و کوشیده‌ام خواننده را در میان آرای مختلفی که درباره معنای یک لغت بیان شده سرگردان نسازم، بلکه حتی الامکان در مباحث مهم یک رأی را برگزینم و آن را بر دیگر آرا ترجیح دهم. در تحلیل و بررسی آرا به یک اصل پایبند بوده‌ام و آن اینکه آرای مفسران کهن را در همان بافت فرهنگی، اجتماعی و تاریخی‌ای که در آن می‌زیسته‌اند، بفهمم. این اصل مرا واداشته است تا بی‌دلیل به نقد و نقض آرای گذشتگان دست نزنم و در عین حال به راحتی تسلیم یک رأی و دیدگاه هم نشوم. همین رویکرد در بحث بوده که تحقیق حاضر را با تحقیقات مشابه دیگر متفاوت کرده است. در بخش دوم کتاب، یعنی در معنی‌شناسی کلمات، یک هدف مهم دیگر را هم دنبال کرده‌ام و آن

اینکه یک محقق و مفسر در تفسیر واژه‌های قرآن کریم به هیچ روی نباید به معانی ارتکازی که از کلمات مشهور و رایج در ذهن خود دارد، اعتماد کند، بلکه باید در مورد همین کلمات نیز با تکیه به فرهنگ لغات عربی و خود قرآن کریم، درصدد فهم دقیق‌تر آنها برآید. نتیجه رعایت این اصل در بررسی معنی‌شناختی همین پنج واژه مشهور و رایج، که در بخش دوم مورد بحث قرار گرفته، به وضوح آشکار است. به نظر در همه موارد به نتایج تازه‌ای دست یافته‌ام که تقریباً در هر پنج مورد و یا دست کم در بیشتر آنها، نتیجه به دست آمده با معنای مشهور متفاوت و از آن دقیق‌تر است. طرح این اصل به معنای بی‌اعتمادی، یا بی‌اعتباری آرای لغویان و مفسران نیست، چرا که هر آنچه ما داریم حاصل تلاش همه مفسران، دانشمندان و ادبای گذشته و اکنون است و ما خوشه‌چین خرمن دانش آنانیم، بلکه بیان این نکته از یک سو نشانگر پهناوری و عمق و غنای دریای معارف قرآن کریم است و از سوی دیگر از باب این مثل معروف است که می‌گوید: «کم ترک الاول للاحر» چه بسیار مطالب و معارف و علوم که گذشتگان برای آیندگان بر جا گذاشته‌اند.

### تفاوت اثر حاضر با آثار گذشته

چنان که اشاره شد، در سال‌های گذشته گام‌های ارزشمندی در تألیف آثاری با موضوع مفردات قرآن برداشته شده است. از این میان چهار اثر با عنوان مشترک «مفردات قرآن» تألیف آقایان: حجت‌الاسلام دکتر سیدرضا مؤذّب، حجت‌الاسلام حمید محمدی، مرحوم زنده‌یاد حجت‌الاسلام همایی و دکتر سیدبابک فرزانه یادکردنی است. ویژگی مشترک این هر چهار اثر آن است که با هدف تهیه متن آموزشی درس مفردات تألیف شده‌اند. شیوه سه اثر نخست آن است که پس از ارائه بحثی مختصر در تاریخچه دانش مفردات و اشاره به برخی مباحث نظری، تعدادی از کلمات پرکاربرد یا متعلق به جزءهای پایانی قرآن را گزینش کرده و با نقل عبارت بعضی لغویان، چون ابن فارس و راغب اصفهانی و طبرسی و... به روش سنتی شرح داده‌اند. در اثر آخر از سیدبابک فرزانه که انتشارات سمت آن را در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده، بیش از دوسوم این کتاب ۱۳۵ صفحه‌ای، به معرفی منابع لغت و مفردات قرآن و بعضی مباحث نظری این دانش اختصاص یافته است. گویا هدف مؤلفان این آثار تدوین یک اثر آموزشی برای مقطع کارشناسی رشته علوم قرآنی و حدیث بوده است. اما اثر حاضر با رویکردی متفاوت با آثار پیشین پدید آمده است. پنج محور ذیل را می‌توان از تفاوت این اثر با آثار پیشین معرفی کرد:



۱. تلاش شده همه مباحث نظری مورد نیاز یک دانشجوی کارشناسی ارشد در دانش مفردات به صورت استدلالی به بحث گذارده شود؛
  ۲. در طرح هر بحث به صورت مستدل نقش و جایگاه و میزان اهمیت آن بحث در فهم و تفسیر قرآن همراه با ذکر شواهد و نمونه‌های قرآنی تبیین گردیده است؛
  ۳. با ذکر نمونه‌های متعدد قرآنی در هر مبحث کوشش شده تا از طرح مباحث نظری صرف و سنگین فاصله گرفته و مباحث نظری رویکردی کاملاً قرآنی و کاربردی به خود بگیرد؛
  ۴. در شرح معنای کلمات قرآنی سعی شده با یک روش ثابت، یک معنای اصلی برای کلمه مورد بحث استنباط شود و سپس با استناد به سیاق آیات مشتمل بر واژه به فهم کاربردهای قرآنی آن واژه مبادرت شود؛
  ۵. نظر بر این بوده است که در شرح مفردات قرآن ضمن بیان معنای چند کلمه قرآنی برای خوانندگان، طلاب و دانشجویان با روش شرح مفردات قرآن آشنا گردند.
- محورهای یادشده اگر موجب طرح بحثی جامع و کامل و دقیق در حوزه دانش مفردات نشده باشند، دست کم در نوع خود کم سابقه‌اند. با این همه، کتاب حاضر را نه خالی از ضعف می‌دانم و نه مبرای از عیب، ولی آرزو دارم محققان و استادان متخصص در این دانش به تألیف آثار جامع و پربارتر توفیق یابند. همچنین سپاس خود را تقدیم همه استادان و محققان و دانشجویانی خواهم کرد که مرا به ضعف و نقص و اشکالات این اثر واقف کنند و یا با پیشنهادهای خود موجبات کمال آن را در چاپ‌های بعدی فراهم سازند.
- لازم می‌دانم از دوستان دانشمند جناب حجت‌الاسلام محمد فاکر میبدی، ناظر طرح، و جناب حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی که با ارزیابی کتاب، و تذکرات سودمند خود از نقایص اثر کاستند و بر زیبایی آن افزودند تشکر کنم. همچنین از مسئولان و معاونان پژوهشی و مدیران گروه دو مؤسسه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز مدیریت حوزه علمیه خواران و نیز همه آنان که به نوعی در نشر این اثر سهم داشته‌اند و یا نقشی ایفا خواهند کرد، سپاسگزارم.

سید محمود طیب حسینی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۴ شهریور ۱۳۸۹ هجری شمسی

۱۵ رمضان المبارک ۱۴۳۱ هجری قمری



بخش اول

---

## مباحث نظری

---



## فصل اول

### کلیات و تعریف‌ها

دانش مفردات قرآن، معناشناسی کلمات قرآن است؛ بنابراین پیش از هر چیز باید به تعریف معنا پرداخت.

#### ۱. معنی

واژه «معنی» اسم مفعول از ماده «عنی» در معانی چندی به کار رفته است از جمله به معنای «مقصود از سخن، مراد کلام، آنچه لفظ بر آن دلالت دارد، آرش و مضمون و مفهوم و مراد و مقصود و منظور و مدلول و غرض و نیت» است.<sup>۱</sup>

می‌توان آن را «معنا» نیز تلفظ کرد، به همان معنای «مقصود». در این صورت کلمه «معنا» یا مصدر است به معنای اسم مفعول، یا آنکه مخفف اسم مفعول «مَعْنَى» است.<sup>۲</sup> در اصطلاح منطق، معنی عبارت است از آن تصویر ذهنی‌ای که در مقابل آن و به ازای آن لفظ وضع شده است.<sup>۳</sup> درباره معنی مباحث مبسوط و درازدامنی وجود دارد که در اینجا مجال ذکر آنها نیست. از این رو تنها به بیان بعضی از تقسیم‌های معنا و اصطلاحات لازم اکتفا می‌کنیم. معنا از جهت‌ها و حیثیت‌های مختلف به اقسامی تقسیم می‌شود. بعضی از مهم‌ترین این تقسیم‌ها چنین است:

#### ۱-۱. معنای حقیقی و مجازی

در یک تقسیم، معنا به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱. معنای حقیقی؛ ۲. معنای مجازی. از این دو معنا به حقیقت و مجاز نیز تعبیر می‌شود. حقیقت، در لغت از «حق‌الشیء» به معنای ثابت،

۱. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۸۷۱۱.

۲. تهانوی، کشف اصطلاح الفنون، ج ۲، ص ۱۶۰۰.

۳. همان.

پابرجا و محکم است؛ مثلاً گفته می‌شود «ثوب مُحَقَّقُ النَّسِجِ» یعنی لباس محکم بافته شد.<sup>۱</sup> و در اصطلاح عبارت است از کلمه‌ای که در معنای موضوع‌له و اصلی خودش به کار رفته باشد؛<sup>۲</sup> مانند «اسد» به معنای شیر و یا «انسان» به معنای حیوان راست‌قامت سخنگو. اما مجاز در لغت از «جَازِ الْمَكَانِ» گرفته شده است؛ یعنی از آنجا عبور کرد و گذشت و مجاز یعنی مَعْبَر و محل عبور،<sup>۳</sup> و در اصطلاح کلمه‌ای است که در غیر معنای موضوع‌له و اصلی خودش به کار رود. البته لفظی که در معنای غیر موضوع‌له‌اش به کار می‌رود، نیازمند دو چیز است: یکی قرینه‌ای که بر آن معنای غیر اصلی دلالت کند. نام این قرینه را قرینه مانع یا صارفه گذاشته‌اند؛ زیرا ذهن مخاطب را از معنای حقیقی لفظ برمی‌گرداند و به معنای مجازی که مراد گوینده است، سوق می‌دهد. دوم اینکه همیشه لازم است میان معنای حقیقی کلمه و معنای مجازی آن رابطه و تناسب وجود داشته باشد. این مناسبت را در اصطلاح «علاقه» می‌نامند. چنانچه این علاقه و رابطه وجود نداشته باشد، استعمال لفظ در معنای غیر حقیقی‌اش جایز نیست؛ زیرا موجب هرج و مرج در زبان می‌شود و برخلاف قاعده تفاهم و مفاهمه است؛ بنابراین، هیچ اهل زبانی نمی‌تواند مثلاً واژه «کتاب» را در معنای زمین استعمال کند یا واژه «اسب» را به معنای قلم و یا واژه «در» را در معنای دریا به کار برد؛ زیرا میان هیچ‌یک از این دو معناها رابطه و تناسبی دیده نمی‌شود.

براساس تعریفی که از حقیقت و مجاز ارائه شد، هر یک از این دو اصطلاح، وصف کلمه و لفظ است؛ یعنی هر کلمه‌ای در وقت استعمال، ممکن است حقیقت باشد، یعنی در معنای موضوع‌له‌اش به کار رفته باشد و ممکن است مجاز باشد، یعنی در معنای غیر موضوع‌له‌اش به کار رفته باشد، اما بسیار هم می‌شود که از روی مسامحه به «معنا» حقیقت، یا معنای حقیقی و مجاز، یا معنای مجازی، اطلاق می‌شود.<sup>۴</sup>

درباره لزوم قرینه در معنای مجاز توجه به این نکته لازم است که دانشمندان در تعریف سنتی از حقیقت و مجاز معتقدند استعمال لفظ در معنای حقیقی نیازمند قرینه نیست،

۱. ابن فارس، الصحاحی، ص ۲۰۲؛ سیوطی، المزهرة فی علوم اللغة و انواعها، ج ۱، ص ۲۸۱.

۲. تفتازانی، المطول شرح تلخیص مفتاح العلوم، ص ۵۶۷-۵۷۲؛ فخر رازی، المحصول فی علم اصول الفقه، ج ۱، ص ۲۸۶؛ مظفر، المنطق، ص ۴۶.

۳. تفتازانی، همان، ص ۵۷۲-۵۷۴؛ ابن فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۲۰۳.

۴. تهنوی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۲۴۵۶.

ولی استعمال آن در معنای مجازی نیازمند قرینه است که نام آن را نیز قرینه «صارفه» و یا «مانعه» گذاشته اند.<sup>۱</sup> اما چنین به نظر می‌رسد که کاربرد هر واژه در هر معنایی، چه معنای حقیقی و چه معنای مجازی‌اش، اغلب نیازمند قرینه است، درحقیقت، وجود قرینه‌های لفظی و غیر لفظی و کلمات هم‌نشین در جمله‌اند که معنای واژه‌ها را روشن می‌سازند؛ خواه معنای حقیقی و خواه معنای مجازی الفاظ باشد. البته قابل انکار نیست که در مواردی هم کاربرد برخی واژه‌ها در یکی از معانی خود که از شیوع و شهرت بسیاری برخوردار شود، ممکن است بدون قرینه به کار رود و در چنین مواردی آن واژه بر همان معنای مشهورترش حمل می‌شود. بنابراین، در زمینه نیاز به قرینه، اغلب هیچ تفاوتی میان معنای حقیقی و مجازی نیست. شاید به دلیل نیازمندی دریافت معنای هر واژه به قرینه بوده است که برخی محققان، همچون تفتازانی، به صراحت گفته‌اند که واژگان و کلمات را تا هنگامی که استعمال نشده باشند، یعنی در جمله و بافت خاصی قرار نگرفته باشند، نمی‌توان حقیقت یا مجاز معرفی کرد و تنها زمانی وصف حقیقت یا مجاز به خود می‌گیرند که در بافت خاصی به کار رفته باشند.<sup>۲</sup>

گفتنی است یکی از مسائل مهم، بازشناسی معنای مجازی کلمات از معنای حقیقی‌شان می‌باشد که این مسئله، هم دشوار و هم نیازمند تدوین معیارهایی برای این بازشناسی است که تاکنون کمتر به این امر توجه شده و هنوز معیارهای روشن و پذیرفته‌شده‌ای در این زمینه تعریف نشده است. در بحث اشتراک لفظی اشاره‌ای گذرا به این موضوع خواهیم داشت.

## ۱-۲. معنای موضوعی و مستعمل فیہ

در تقسیمی دیگر معنا به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱. معنای موضوعی؛ ۲. معنای مستعمل فیہ. چنان که در تقسیم نخست اشاره شد، هر لفظ یک معنای موضوعی دارد و یک معنایی مستعمل فیہ، یعنی معنایی که لفظ در آن استعمال شده است. حال، یک لفظ ممکن است در

۱. وجه نامگذاری قرینه مجاز به قرینه «صارفه» یا «مانعه» آن است که این قرینه ذهن مخاطب را از گرایش به معنای حقیقی کلمه بازداشته و به سمت معنای مجازی برمی‌گرداند، در مقابل قرینه‌ای که برای تشخیص یکی از معانی لفظ مشترک به کار برده می‌شود و به آن قرینه «معینه» گویند، زیرا تعیین‌کننده یکی از معانی حقیقی لفظ مشترک است.  
۲. تفتازانی، المطول، ص ۵۷۲؛ شمیس، بیان، ص ۴۶.

همان معنای موضوع‌له‌اش به کار رود؛ در این صورت معنای مستعمل‌فیه لفظ همان معنای موضوع‌له‌اش خواهد بود، به سخن دیگر، معنای موضوع‌له و مستعمل‌فیه یکی است. همچنین ممکن است لفظ در معنای غیر موضوع‌له‌اش به کار رود که در این صورت معنای مستعمل‌فیه متفاوت با معنای موضوع‌له لفظ است. برای مثال، اگر فرض کنیم کلمه «سما» برای همین قبه آبی‌رنگ بالای کره خاکی ما وضع شده است، و در آیه شریفه «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ»<sup>۱</sup> نیز به همین معنا به کار رفته است. در اینجا هر دو معنای مستعمل‌فیه و موضوع‌له یکی است، اما در آیه «وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا»<sup>۲</sup> کلمه «سما» به معنای ابر یا باران است، که معنای مستعمل‌فیه با معنای موضوع‌له تفاوت دارد. برای روشن‌تر شدن حدود معنای موضوع‌له لازم است توضیحی درباره «اقسام وضع» بیان شود.

#### اقسام وضع و واضع

در بحث از معنای موضوع‌له و شناخت آن ما با عمل وضع مواجه‌ایم که لازم است با آن آشنا شویم. مشهور میان دانشمندان آن است که وضع عبارت است از تخصیص یک لفظ به یک معنا، به طوری که هر گاه لفظ اطلاق شود، آن معنا از لفظ به ذهن آید.<sup>۳</sup>

بعضی بر این باورند که واضع در هر زبان، شخصی معین نیست، بلکه طبیعت بشر بر حسب نیرو و استعدادی که خداوند در ذات او به ودیعت نهاده، کلمه‌ای را اختراع کرده و در تفاهم با دیگر هم‌نوعان خود به کار برده است. دیگران نیز کلماتی را به همین‌گونه اختراع کرده و در ارتباط با افرادی دیگر به کار برده‌اند و به همین شکل با گذشت زمان، مجموعه کوچکی از الفاظ شکل یافته و زبان مخصوصی دارای قواعد خاص به وجود آمده که مخصوص آن قوم است. سپس این لغت میان اقوام دور از هم انتشار یافته و دچار تغییر، تحول، دگرگونی و افزایش و کاهش شده و لغات دیگری از آنها به وجود آمده و در نتیجه، هر قومی دارای لغت و زبان مخصوصی گردیده است.<sup>۴</sup> اگر این تعریف و تحلیل از وضع را بی‌اشکال بدانیم و بپذیریم، مشکل این است که در تفسیر قرآن با تکیه بر این تعریف هرگز نمی‌توان از طریق کتاب‌های

۱. ملک، ۶.

۲. انعام، ۶.

۳. سیوطی، المزهرة فی علوم اللغة و انواعها، ج ۱، ص ۳۴؛ آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ج ۱، ص ۱۰؛ جزایری مروج، منتهی الدرایة فی توضیح الکفایة، ج ۱، ص ۲۳-۲۶.

۴. مظفر، اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۰.



لغت و یا راه‌های دیگر به معانی موضوع‌له الفاظ قرآن دست پیدا یافت، مگر از روی حدس؛ زیرا نخستین واضع الفاظ عربی را نمی‌شناسیم.

در بحث وضع، تقسیمی مطرح شده است که تا اندازه‌ای اشکال یادشده را برطرف می‌سازد. دانشمندان در یک تقسیم‌بندی وضع را به وضع تعینی و وضع تعینی تقسیم کرده‌اند: وضع تعینی آن است که منشأ آن جعل و تخصیص باشد؛ یعنی فردی معین لفظی را در برابر معنایی قرار داده و به آن اختصاص دهد. این نوع وضع قابل انکار نیست و هم‌اکنون نیز جریان دارد. الفاظی که در فرهنگستان‌های هر زبان در کشورهای مختلف برای معانی جدید وضع و معرفی می‌شوند، از این نوع‌اند. نمونه ساده‌تر آنکه همواره در همه اعصار رواج داشته و دارد، نام‌هایی است که پدران و مادران بر روی فرزندان خود می‌گذارند. با این حال، این نوع وضع در بحث معناشناسی واژگان قرآن و تشخیص معنای حقیقی آنها از معانی مجازی‌شان، به ما کمک نمی‌کند؛ زیرا ما به وضع تعینی الفاظ به‌کاررفته در قرآن دسترسی نداریم.

وضع تعینی نیز آن است که واژه‌ای بر اثر کثرت استعمال در معنایی جدید، موجب شود که اذهان مردم با آن انس بگیرد، به گونه‌ای که هر گاه آن لفظ شنیده شود، آن معنا به ذهن تبادر کند.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد، به‌رغم آنکه برخی اصولیان وضع تعینی را انکار کرده‌اند،<sup>۲</sup> باید آن را واقعیتی در وضع الفاظ، به‌ویژه در تحول و تطوّر معانی به شمار آورد و درحقیقت ملاک وضع الفاظ را نیز همین قسم از وضع دانست؛ البته با تقریر و تبیین نو.

توضیح اینکه الفاظ در ابتدا براساس هر تحلیل و نظریه‌ای که در باب وضع الفاظ بپذیریم، برای معنایی ای وضع و در آنها استعمال می‌شد، ولی به تدریج و به‌مرور زمان و با گسترش جوامع و به دنبال آن گسترش ارتباطات افراد و قبایل با یکدیگر و نیز بر اثر ترقی و رشد فرهنگی و تمدنی، نیاز مردم در به‌کارگیری الفاظ، بیشتر می‌شد و به‌طور طبیعی الفاظی که دارای معنای خاصی بودند، به‌طور مجاز در معانی مرتبط با معانی اولی‌شان به کار می‌رفتند؛ زیرا استعمال مجازی و همراه با قرائن الفاظ در معانی ثانوی بسیار آسان‌تر از اختراع الفاظ جدید است. از

۱. همان؛ نیز رک: فیاض، محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۴۹ و ۵۶؛ گلپایگانی، افاضة العوائد، ج ۱، ص ۲۴؛ روحانی، زبدة الاصول، ج ۱، ص ۲۸.

۲. حکیم، منتقى الاصول، ج ۱، ص ۷۲؛ مؤمن قمی، تسدید الاصول، ج ۱، ص ۲۱.

سوی دیگر، غالباً افراد تأثیرگذار در زبان، در هر قوم و جامعه‌ای افراد معدودی هستند؛ مانند رؤسای قبایل، خطبا و شعرا و کسانی که نقشی در اداره جامعه و تنظیم روابط میان افراد به عهده داشتند. حال هنگامی که الفاظی از سوی یکی از این افراد به مناسبتی در معنایی جدید به کار می‌رفت، به تدریج مقبولیت عام یافت و بدین شیوه آن واژه خاص در میان آن قوم دارای دو معنا می‌شد که البته استعمال هر دو نیز نیازمند قرینه بود؛ به همین شیوه و با آمدن نسلی از پی نسلی دیگر و به دنبال رشد و تکامل فرهنگی جوامع، الفاظ، معانی جدید به خود می‌گیرند و معانی سابق، گاه ممکن است دارای استعمال کمتر شده، یا اساساً متروک و مهجور می‌شوند. نتیجه این تحول در الفاظ آن است که غالب الفاظ رایج در هر زبان دارای چند معناست.

بنابراین، در تعریف وضع تعینی باید گفت: وضع تعینی یعنی اینکه کلمه‌ای ابتدا به صورت مجاز در معنایی به کار رود و سپس در یک جامعه مقبولیت عمومی پیدا کند. در این حال استعمال لفظ در آن معنای جدید را برای بارهای اول و تا زمانی که شیوع پیدا نکرده، مجاز تلقی می‌کنیم، ولی همین که مورد پذیرش افراد جامعه قرار گرفت و در میان آنها شیوع پیدا کرد و از اغراض مجاز، همچون مبالغه دور شد و اهل آن جامعه به خود اجازه دادند که آن لفظ را در آن معنا به کار ببرند، در این صورت، آن لفظ در معنای جدید تعیین پیدا خواهد کرد. نمونه‌هایی از این نوع استعمال را در زبان فارسی امروز به فراوانی مشاهده می‌کنیم. واژگان جهاد، سپاه، طاغوت، بسیج، استکبار، شیطان بزرگ، رژیم صهیونیستی و مجلس امروزه در معنای جدیدی به کار می‌روند و در عرف به مجاز بودن این معانی توجهی نمی‌شود، یا به عبارت دیگر جنبه مجاز بودن آنها فراموش شده است، در عین حال که معانی گذشته خود را نیز از دست نداده‌اند و گوینده و شنونده همواره با تکیه بر قرائن، این واژگان را در معنای خاصشان به کار می‌برد.

هر یک از ما اهل زبان به دیگر افراد جامعه می‌پیوندیم و از طریق آموزش با کاربردهای مختلف الفاظ در معانی‌شان آشنا می‌شویم. الفاظ در سیاق‌ها و ساختارهای مختلف بر معانی خاصی دلالت می‌کنند و ما آن ساختارها را فرامی‌گیریم و به ندرت در فهم و دریافت معنا، یا در تفهیم آن دچار خطا می‌شویم. در جریان این یادگیری غالباً به رابطه میان معانی هم نمی‌اندیشیم، با اینکه غالباً این رابطه وجود دارد. حال اهل زبان به این معانی رایج در میان خود، معانی آن لفظ، اطلاق می‌کنند، قطع نظر از اینکه معنای حقیقی باشد یا معنای مجازی؛ به سخن دیگر، در میان اهل زبان بحث حقیقت و مجاز چندان مطرح نیست، بلکه مسئله لفظ

و معنا و استعمال لفظ در معنا، آن هم در قالب ساختارهایی مشخص، مطرح است. این همان چیزی است که ما در زبان خود به‌وضوح مشاهده می‌کنیم و به نظر می‌رسد که پیشینیان نیز در بحث ترادف و اشتراک لفظی همین نگاه را به مقوله لفظ و معنا داشته‌اند. طبعاً قرآن کریم نیز که به زبان قوم نازل شده، خارج از این چارچوب نیست.

### ۱-۳. معنای مفهومی و معنای مصداقی

در تقسیمی دیگر معنا به دو قسم معنای مفهومی و معنای مصداقی تقسیم می‌شود:

معنای مفهومی آن است که وقتی فردی از معنای یک کلمه از شما سؤال می‌کند، شما هم با استفاده از یک یا چند کلمه دیگر معنای آن کلمه را برایش شرح دهید. مثل آنکه کسی از معنای «أَهْلُ الذِّكْرِ» در آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup> از شما سؤال کند، و شما در پاسخ بگویید: مقصود از «ذکر» در این آیه قرآن است، یا پیامبر است، و مقصود از «أَهْلُ الذِّكْرِ» نیز اهل قرآن یا اهل بیت پیامبر(ع) هستند.

معنای مصداقی نیز آن است که وقتی کسی از معنای کلمه‌ای می‌پرسد، به جای بیان معنای آن کلمه، مصداق خارجی‌اش را به وی نشان دهند و یا با استفاده از الفاظ، مصداق یا یکی از مصداق آن کلمه را بیان کنند. برای مثال، در سؤال پیشین یکی از امامان معصوم از اهل بیت پیامبر(ع) را به وی نشان دهند. چنان که و شاء از امام رضا(ع) درباره همان آیه شریفه: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» می‌پرسد و امام در پاسخ می‌فرماید: «اهل ذکر و کسانی که از آنان سؤال می‌شود ما هستیم»<sup>۲</sup> یا اینکه در حدیثی از علی بن ابی طالب(ع) و ابن عباس آمده است که در مورد آیه شریفه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»<sup>۳</sup> فرمود: «رسول خدا منذر است و من هادی»<sup>۴</sup>. که در بخش اول حدیث، امام با استفاده از لفظ به جای معنای «منذر» مصداق آن را بیان می‌کند و در بخش دوم روایت با اشاره به خود (توأم با به کار بردن لفظ) به عنوان مصداق خارجی، «هاد» را معنا می‌کند. یا اینکه در روایت دیگر آمده است که چون این آیه نازل شد رسول خدا(ص) با نهادن دست بر

۱. نحل، ۴۳.

۲. نحن اهل الذکر ونحن المسؤولون (ر.ک: بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۳).

۳. رعد، ۷.

۴. سیوطی، الدر المنثور، ج ۴، ص ۴۵؛ نیز ر.ک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۱، که این روایت را از امام صادق(ع) نقل کرده است.

سینه خود می‌فرماید: «انا المنذر» و با دست گذاشتن بر شانه علی(ع) می‌فرماید: «انت الهادی». که در هر دو بخش با اشاره با مصداق خارجی «منذر» و «هاد» را معنا می‌کنند.<sup>۱</sup> در زبان‌شناسی نوین از معنای نخست به معنای «درون‌زبانی» و از معنای دوم به معنای «برون‌زبانی» یاد می‌شود.<sup>۲</sup> در روایات تفسیری به‌ویژه روایات رسیده از معصومان، تفسیر کلمات قرآن با معنای مصداقی یا معنای «برون‌زبانی»، جایگاه مهمی دارد. تفسیر کلمات قرآن با معنای برون‌زبانی یا بیان معنای مصداقی به‌طور روشن‌تر و کارآمدتر مخاطب را به مقصود آیه هدایت کرده و از بعضی آسیب‌های معنای مفهومی، مثل ابهام یا خطا در تطبیق، مصون است. همچنان که آموزش زبان به کودک با بیان معنای مصداقی آسان‌تر، پایدارتر، و کم‌خطاتر است. با این حال، چنان که ممکن است مفسر در بیان معنای مفهومی دچار خطا و تفسیر نادرست شود، در بیان معنای مصداقی نیز ممکن است عمداً یا سهواً دچار خطا و معرفی مصداق نادرست شود. از این‌رو ضروری است معیارهایی برای تشخیص مصداق یا مصادیق صحیح الفاظ قرآن فراهم شود.

#### ۴-۱. معنای اولی و معنای ثانوی

تقسیم دیگر، تقسیم معنا به معنای اولی و معنای ثانوی است. برخی از دانشمندان علم معانی می‌گویند در کلامی که موصوف به وصف بلاغت می‌شود دو نوع معنا وجود دارد: یکی معنای اولی و دیگری معنای ثانوی. معنای اولی، همان مدلول ترکیب‌ها و الفاظی است که در علم نحو آن را اصل‌المعنی خوانند، به سخن دیگر، همان معنا و مدلولی که با شنیدن الفاظ جمله به ذهن متبادر می‌شود. معنای ثانوی نیز همان اغراضی است که کلام برای بیان آن اغراض ایراد شده است، به همین جهت در علوم بلاغت، مقتضای حال را همین معانی ثانوی دانسته‌اند. مثلاً وقتی شخصی می‌گوید: «ان زیداً قائم»، معنای اولی آن ایستادن زید همراه با تأکید است، اما معنای ثانوی آن رد انکار مخاطب و دفع شک او نسبت به ایستادن زید خواهد بود،<sup>۳</sup> یا وقتی گفته می‌شود «هو اسد فی

۱. سیوطی، همان.

۲. ر.ک: صفوی، درآمدی بر معنی‌شناسی، ص ۲۹-۳۱.

۳. بلاغت در سخن، اقتضا دارد که هر گاه شنونده نسبت به مطلبی خالی‌الذهن است گوینده سخن خود را ساده و بی‌هیچ تأکیدی بیان کند، اما چنانچه شنونده مطلب را قبلاً شنیده و نسبت به آن تردید دارد، در اینجا گوینده سخن خود را با یک و احیاناً دو تأکید همراه می‌سازد و بدین طریق تردید مخاطب را برطرف کند، و چنانچه مخاطب منکر آن مطلب باشد، بر گوینده بلیغ لازم است به قدر انکار شنونده سخن خود را با ادات تأکید همراه سازد. البته گاه نیز مقتضای بلاغت خلاف این قاعده است (ر.ک: الهاشمی، جواهر البلاغه، ص ۴۴ و ۴۵).

صورة الانسان» معنای اولی این جمله همان مدلول کلام یادشده است، اما معنای ثانوی جمله بیان شجاعت آن فرد است.<sup>۱</sup> در قرآن کریم نیز از این نمونه‌ها فراوان آمده است. برای مثال، معنای اولی عبارت «حَمَّالَةَ الْحُطَبِ»<sup>۲</sup> حمل‌کننده هیزم است، اما معنای ثانوی آن بیان نمایی و سخن‌چینی زن ابولهب است،<sup>۳</sup> همچنین معنای اولی «يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ»<sup>۴</sup> دستان را با دندان گزیدن، و معنای ثانوی آن بیان نهایت پشیمانی ظالم در روز قیامت است.<sup>۵</sup>

باید توجه داشت که گاه در بعضی جمله‌ها صرفاً معنای ثانوی آنها مراد گوینده است و معنای اولی آن مقصود نیست. برای مثال، در آیه شریفه «لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ»<sup>۶</sup> معنای اولی آن این است که اگر پیامبر شرک ورزد، عمل نیکش تباه خواهد شد، و معنای ثانوی آیه تعریض به سایر مردم است و به آنها هشدار می‌دهد که در صورت شرک ورزیدن اعمال نیکشان تباه می‌شود. حال مقصود خدای متعال در این آیه بیان معنای ثانوی آیه است، نه معنای اولی آن، زیرا رسول خدا(ص) معصوم بوده و هرگز شرک نمی‌ورزد.<sup>۷</sup>

گفتنی است که معنای ثانوی با تعریفی که برای آن ذکر شد برای الفاظ مفرد ثابت نیست، بلکه در کلام مرکب و جمله‌ها دیده می‌شود، از این‌رو در بحث از مفردات قرآن، بحث ما محدود به معنای اولی واژه‌ها خواهد بود، و به‌ندرت معنای ثانوی کلمات مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد (یعنی معنای ثانوی کلمه‌ای در سیاق جمله‌ای خاص)، و باید این بخش از معنا را در علوم بلاغت و تفاسیر ادبی و بلاغی دنبال کرد.

## ۲. مفردات

«مفردات» جمع «مُفْرَدَةٌ»<sup>۸</sup> اسم مفعول از ماده «فرد» به معنای چندی آمده است از جمله: تنها، مجرد، یگانه و معنای ای نزدیک به اینها. مفرده، مؤنث «مفرد» است که در مصطلحات مختلف معنای متفاوتی یافته است، مثلاً در مصطلح عالمان صرف گاه «مفرد» در مقابل تشبیه و جمع و

۱. ر.ک: تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۶۰۱.

۲. مسد، ۴. ۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۸۵۳.

۴. فرقان، ۲۷.

۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

۶. زمر، ۶۵. ۷. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۹۰.

۸. برای آگاهی از معنای اصطلاحی «مفرد» ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۸۷۷۶ و ۱۸۷۷۷.

گاه در مقابل مرکب (کلام مرکب از چند کلمه) به کار می‌رود، یعنی لفظی که بر یک فرد دلالت می‌کند (نه دو فرد و بیشتر) و یا لفظی که بیش از یک کلمه ندارد (و عبارت یا جمله نیست)، و در مصطلح منطق به معنای لفظی است که جزء آن دلالت بر جزء معنا ندارد. اما در تفسیرپژوهی مقصود از «مفردات» همین معنای دوم در اصطلاح علم صرف (مفرد در مقابل جمله) است و شامل اسم و فعل می‌شود.<sup>۱</sup> به دیگر سخن، واژه «مفردات» در واقع صفت برای موصوفی مقدر (الالفاظ المفردات) یا (الالفاظ المفردة) است که به دلیل کثرت استعمال حذف شده و صفت، جای آن نشسته و در فرض دوم علامت جمع «ات» گرفته است تا بیانگر مقصود باشد. به هر روی امروزه مفردات قرآن به عنوان یکی از دانش‌های قرآنی مطرح است و کتاب‌های متعددی درباره آن تألیف شده است.

### تعریف دانش مفردات

دانشمندان گذشته و صاحبان کتاب‌های مفردات هیچ‌یک در مقام تعریف «دانش مفردات» بر نیامده‌اند و گاه تنها اشاراتی به آن داشته‌اند. برخی معاصران با استنباط از اشارات راغب در مقدمه کتاب مفرداتش و بعضی دیگر از دانشمندان، دانش مفردات را چنین تعریف کرده‌اند: دانشی است که فقط درباره تک‌واژه‌های<sup>۲</sup> قرآنی (مفردات) از نظر ریشه، اشتقاق لغوی، دلالت بر معنای مطلوب، مناسبات، شیوه نگارش، نحوه تلفظ، و نوع کاربرد آن (از نظر حقیقی و مجازی بودن) در قرآن بحث و گفتگو می‌کند و یکی از مهم‌ترین شاخه‌های آن غریب‌القرآن است.<sup>۳</sup>

این تعریف ظاهراً مبتنی بر برداشت نادرستی از معنای مفردات است<sup>۴</sup> که در اینجا مجال نقد و بررسی آن نیست، اما روشن است که در دانش مفردات دست‌کم درباره شیوه نگارش و نحوه

۱. تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۶۰۸-۱۶۱۲.

۲. در زبان‌شناسی به کوچک‌ترین واحد معنادار یا نقش‌مند دستوری در زبان «تک‌واژه» گفته می‌شود، (ر.ک: انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۳، ص ۱۸۵۹) مثلاً در واژه «سردرد» هر یک از «سر» و «درد» یک تک‌واژند، و یا در واژه «کارگاه» و «خریدار» و «رفتم» هر یک از «کار»، «گاه»، «خرید»، «ار»؛ «رفت» و «م» یک تک‌واژند؛ بنابراین تک‌واژ «ار» و «م» یک واحد معنادار است در حالی که واژه نیست. نتیجه آنکه تک‌واژه غیر از تک‌واژه است که در تعریف فوق آمده و مقصود از آن واژه و کلمه مفرد (غیر مرکب) است.

۳. ر.ک: شکوری، «درآمدی بر تفسیر واژه‌ای قرآن»، نامه مفید، ش ۴، ص ۴۸.

۴. ر.ک: همان، ص ۴۸-۵۰.